



گرب کمونیست کارگری - حکمتیست

۴ آذر ۱۳۹۰

۲۵ نوامبر ۲۰۱۱

آذر مدرسی

تبدیل هراس از جنگ، به تکرار "نجات" به شیوه لیبی!

مناقشه و تخاصم غرب با جمهوری اسلامی به لحظات حد خود رسیده است. تحریمهای اقتصادی، تحریم بانک مرکزی و صنایع پتروشیمی، که امروز حتی سیاستمداران رده دهم هم اعتراف میکنند نه فقط علیه جمهوری اسلامی که اساسا علیه مردم ایران است، تشدید میشود. تحریمهایی که در حقیقت سلاح کشتار جمعی است و جز فقر و محرومیت بیشتر برای مردم ایران در بر ندارد، بر این متن کابوس حاد شدن تهدیدات نظامی اسرائیل و امریکا علیه ایران، سایه سیاه خود را بر فراز سر مردم ایران به حرکت در آورده است. علیرغم ظاهر فریبنده پروپاگاندهای میلیتاریستی امریکا و اسرائیل، که گویا قرار است صرفا صنایع هسته ای را مورد حمله قرار دهند، باز هم طبق اعتراف متخصصین غربی چنین حمله ای کشتار ده ها هزار نفر از مردم ایران، ویرانی کامل بنیاد های اقتصادی و صنعتی ایران را به بار خواهد آورد. تاثیر تحریمهای اقتصادی بر زندگی مردم، گرانی و تورم بیشتر، تشدید فضای جنگی و استفاده جمهوری اسلامی از این فضا برای تشدید خفقان و سرکوب است. این شرایط مردم و طبقه کارگر در ایران را در موقعیتی به مراتب خطرناکتر، نا امن تر و ضعیف تر

صفحه ۴

فاتح شیخ

اعتلای نوین انقلاب در مصر

مصر انقلابی در آستانه دهمین ماه انقلابی، صحنه دور نوینی از اعتلای انقلاب شده است. انقلاب توده ای و قدرتمند ۲۵ ژانویه ظرف ۱۸ روز راس استبداد حاکم را بزیر کشید، با اینحال تغییر قدرت حاکم که مساله اساسی هر انقلابی است، از زاویه منافع نیروهای انقلاب، طبقه کارگر و توده های محروم یعنی اکثریت عظیم جامعه، حل نشده باقی ماند. بجای مبارک، شورای عالی ارتش و در راس آن طنطاوی و سامی عنان، زمام

مصطفی رشیدی

سه سال با کارگران هفت تپه و سندیکایشان

دور جدیدی از اعتراضات گسترده در میان کارگران نیشکر هفت تپه به تابستان سال ۱۳۸۷ برمیگردد. در گرماگریم این اعتراضات در ماه آبان سندیکای کارگران هفت تپه اعلام موجودیت نمود. تا این مقطع، اعتراضات کارگران هفت تپه در بهترین حالت یک مورد در میان دهها اعتراض و اعتصاب مشابه خود جای میگیرد. یک مرکز تولیدی بزرگ که در منگنه معضل فروش تولیدات، کاهش سود، تامین مواد اولیه و سرمایه لازم برای بازسازی، ضرورت تغییر ساختار تولید و اخراج کارگران، تلنبار دستمزد های پرداخت نشده و ... ترمز دستی ها را کشیده و سر پروسه کشتار و فرسوده کننده را با کارگران باز میکرد. "ایران تایر" نمونه ای گویا از واحدهایی است که کارگران آن در میان تکرار اعتصابات و اجتماعات روزمره

زلزله در وان و کمپین دفاع از پناهندگان

مصاحبه با سعید آرمان دبیر سازمان سراسری پناهندگان

کمونیست هفتگی: زلزله در وان ترکیه به فاجعه ای انسانی تبدیل شد، آمار صدها کشته و هزاران زخمی و دهها هزار آواره تنها گوشه ای از این فاجعه است. برخورد فاشیستی دولت ترکیه و از دل زلزله اشاعه دشمنی قومی هم یک پای مسئله است. به عنوان دبیر سازمان سراسری پناهندگان ایرانی قبل از پرداختن به کمپین کمک به پناهندگان، ممکن است در این

کارگران جهان متحد شوید!



قدرت ضربه خورده حاکم را در دست گرفت تا از انهدام ماشین دولتی بورژوازی توسط نیروهای انقلاب ممانعت کند. اعتلای نوین انقلاب مصر که در صفوف انقلابیون "موج جدید ۱۹ نوامبر انقلاب" نام گرفته است، معطوف به مساله اصلی و حل نشده انقلاب یعنی تغییر قدرت حاکم است.

روشن بود که بعد از سقوط مبارک، نبردهای طبقاتی جدیتری بر سر مسیر و سرنوشت انقلاب در خواهد گرفت؛ از طرفی جریانات بورژوازی با سوار شدن بر موج انقلاب خواهان سهم بیشتری از قدرت و در عین حال توقف انقلاب خواهند شد، از طرف دیگر طبقه کارگر و جریانات انقلابی برخاسته از اعماق

محروم جامعه، تلاش خواهند کرد انقلاب را در جهت تحقق اهداف و مطالبات رادیکال خود به جلو سوق دهند. در این مسیر طبقه کارگر که به مراتب قدرتمندتر و متشکلاتر از دور اول انقلاب به میدان آمده بود، نیروی اصلی تاووم و پیشرفت انقلاب بود. وقتی روزنامه

صفحه ۲



در مقابل مجلس و دفتر ریاست جمهوری، امید و استمداد در مقابل کس و ناکس حکومت از پای افتادند؛ و بمعنای دقیق کلمه جز فرسودگی و تحقیر و سروانندن و استیصال نتیجه دیگری برای کارگران بهمراه نداشت. کارگران هفت تپه این راه را نرفتند. تشکیل سندیکا، نقطه آغاز سرنوشتی یکسر متفاوت برای کارگران نیشکر گردید. این سندیکا در قامت مهترین تشکل طبقه کارگر در ایران، سومین سالگرد خود را پشت سر میگذارد. مهر این سندیکا بر دنیای پر تحول سیاسی ایران انکار ناپذیر و پر جنبه است.

جامعه ایران، و در سه سال اخیر بیش از هر وقت دیگر، جامعه ای پر تحول بوده است. فضای جنگی حول پرونده اتمی، تحریمهای اقتصادی، انتخابات ریاست جمهوری و پدیده سبز، تصفیه حسابهای درونی رژیم، یارانه ها، جلهای پایان ناپذیر موقعیت اقتصادی، یک حکومت سرکوبگر و یک رئیس جمهور پوپولیست تنها چند سر تیتر از لیست بلند بالاست که آن جامعه را بخود معطوف ساخته است. نشان دادن اینکه طرف حساب این کشمشها طبقه کارگر بوده است، دشوار نیست. طبقه کارگر فقط با احکام مستقیم

"جهاد اقتصادی" از طرف امام، با کمک حفاظت کارخانه و گسیل سپاه پاسداران به کارخانه نیست که مورد حمله قرار میگیرد. شب و روز با شلاق فقر، ترس از بیکاری، درد معیشت، فعال مایشا بودن سرمایه، از طریق تزریق مذهب، دامن زدن به هویت ناسیونالیستی و هزار طریق دیگر طبقه کارگر مورد حمله قرار داده میشود تا او را بترسانند. تنهایی را به او بباورانند. پراکنده و تسلیم، بدون افق، بدون توقع و دور از آگاهی نسل پس از نسل به همین چهارچوب از زندگی رضایت بدهند. ترس و بیم از کارگر، تلاش برای خنثی کردن خطر کارگر بخش اساسی از کارکرد ارگانهای رژیم را بخود اختصاص داده است.

صفحه ۲



زمینه توضیح کوتاهی بدهید؟
سعید آرمان: ابتدا اجازه دهید همدردی عمیق خود را به بازماندگان این فاجعه انسانی ابراز دارم. روز یکشنبه ۲۳ اکتبر (اول آبان) زلزله ای به قدرت ۷ و ۲ دهم ریشتر استان وان در شرق ترکیه را تکان داد و منجر به کشته شدن بالغ بر ۶۰۰ نفر شد و هزاران زخمی برجای گذاشت و دهها هزار نفر را آواره کرد. از آنموقع به بعد بالغ بر ۱۴۰۰ پس لرزه و زمین لرزه دیگر آمده است که یکی از آنان بامداد سه شنبه هشتم ماه نوامبر بود که منجر به فروریختن هتل بایرام شد که اکپو پزشکی، امداد رسانان و خبرنگاران در آن مسفر بودند، متأسفانه یک پزشک ژاپنی همراه با ۶ نفر دیگر در میان کشته

شدگان بود.
دولت ترکیه بنا به اذعان خود اردوغان (نخست وزیر) در زمینه امداد رسانی واکنش سریع نشان نداده اند و به دلیل رد کردن کمکهای خارجی از سوی دولت ترکیه که بدون هیچ تردیدی اهداف سیاسی پشت آن میباشد، امداد رسانی

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتلای نوین انقلاب در...

لس آنجلس تایمز دو روز قبل از سقوط مبارک رپر تاژ گویای "ریشه های کارگری انقلاب مصر" را منتشر کرد، طبقه کارگر مصر تنها دارای سه تشکل مستقل خود بود. اما در ماههای بعد، تشکلیابی کارگران به رشد و شکوفایی اعجاب آوری دست یافت. اگر اعتصابات و اعتراضات طبقه کارگر "ریشه" انقلاب مصر و نیروی تعیین کننده پیروزی سریع و باشکوه آن بود، متقابلاً انقلاب هم به مبنای اجتماعی و تاریخی تعیین کننده ای برای عروج قدرتمند جنبش کارگری مصر بدل شد. حاصل سیر تاکتونی پیشروی طبقه کارگر مصر در دوره انقلابی این است که اعتلای نوین انقلاب، به مراتب بیشتر از دور اول انقلاب ۲۵ ژانویه به قدرت و تشکل طبقه کارگر متکی است و در همانحال مبنای اجتماعی و تاریخی جدیدی برای ارتقای موقعیت طبقه کارگر در سیر آتی انقلاب، در رهبری انقلاب و تداوم آن در مسیر انقلاب سوسیالیستی ورهایی جامعه فراهم میسازد.

از نظر سیاسی این اعتلای نوین انقلاب نشانه عبور توده های انقلابی جامعه از کوران تجاری است که در دوره های غیرانقلابی طی دهها سال هم کسب شدنی نبود. نیروهای انقلابی طرف ده ماه گذشته از سردرگمی و نداشتن دید و موضع روشن در قبال ارتش و دیگر جریانات ضدانقلاب بورژوازی، از اخوان المسلمین و سلفیها تا احزاب ناسیونالیست، فاصله گرفته اند و اکنون با صراحت کامل در پی سقوط حاکمیت ارتش و برقراری دولت موقت انقلابی هستند. این موقعیت بسیار مناسبی برای پیشروی طبقه کارگر، برای رشد بیشتر آگاهی طبقاتی و اتحاد و تشکل در صفوف آن است. نیروهای انقلابی طی روزهای گذشته عقب نشینی بزرگی به ارتش و دولت تحمیل کرده اند. دولت عصام شرف ناگزیر از استعفا شد.

دیروز (سه شنبه ۲۲ نوامبر) که نیروهای انقلاب مجدداً میدان تحریر را با تجمع میلیونی خود پر کردند، طنطای ناچار شد پس از یک روز تمام گفتگو و بندوبست با احزاب بورژوازی جبهه ضدانقلاب، در یک سخنرانی زیبوانه بخشی از خواستهای نیروهای انقلاب را بپذیرد با این هدف که در جبهه انقلاب تفرقه ایجاد کند و برای تقلاهای ضدانقلابی مشترک ارتش و ارتجاع اسلامی وقت بخرد. اما سخنان طنطای هم مانند وعده های پی در پی مبارک توسط انقلابیون میدان تحریر قاهره و دیگر شهرهای مصر رد شد و با فریادهای "ارحل!" پاسخ

گرفت. ۲۳ نوامبر هم تحصن گسترده در میدان تحریر و تظاهرات توده ای طی این چند روز که پلیس ضدانقلاب دهها انقلابی را به قتل رسانده و صدها نفر را زخمی کرده است، نیروهای انقلابی میدان تحریر بارها در تلاش اشغال وزارت کشور در یکی از خیابانهای همجوار با نیروهای سرکوبگر درگیر شده اند. طنطای در بخشی از سخنان دیروزش گفت: "دستهای پنهانی در کار است که شیرازه دولت را از هم بپاشاند". در حقیقت دستهای پنهانی در کار نیست، بلکه این دستهای نسلی از انقلابیون است که دریافته اند که باید دستگاههای سرکوبگر دولت مبارک را در هم بشکنند. اعتلای نوین انقلاب از این نظر پیشرفت مهمی برای تداوم انقلاب مصر به شمار میرود که طبقه کارگر و توده های محروم و انقلابی جامعه نیروی خود را برای تعرض سازمانیافته و رادیکال به ماشین دولتی بورژوازی در هم شکستن گرد آورند.

روزهای آتی روزهای حساسی برای شکل دادن به سیما و قامت و محتوای سیاسی "موج جدید ۱۹ نوامبر انقلاب" خواهد بود. سوال اصلی این است که رهبران و فعالین رادیکال و کمونیست طبقه کارگر مصر با چه افق و بینشی توده های طبقه را در نبردهای طبقاتی آتی به میدان خواهند آورد؟ شکل دادن به آلترناتیو مستقل پرولتری در قبال قدرت سیاسی در دل اعتلای نوین انقلاب، در دل اعتراضات و اعتصابات کارگری و دخالتگری سیاسی و انقلابی طبقه کارگر کلید مساله است و حزب کمونیستی طبقه کارگر هسته اصلی آن است. آیا رهبران و فعالین طبقه کارگر در این مقطع قادر به کنار زدن توهمات و محدودنگریهای دوره گذشته خواهند شد؟ آیا خواهند توانست صفوف پیشروان طبقه را به بینش و افق پرولتری و آمادگی فکری و سیاسی رادیکال و انقلابی مسلح کنند؟

تا آنجا که به درس آموزی طبقه کارگر ایران از انقلابات و تحولات جاری برگردد، امروز بیش از پیش باید تاکید کرد که رهبران و فعالین کارگری ایران باید هرچه بیشتر از تجربه درخشان انقلاب مصر، تداوم آن و اعتلای نوین آن بیاموزند و در عین حال هرچه بیشتر تجربه منفی سلطه ضدانقلاب بورژوازی در لیبی در پناه بمب افکنهای ناتو را در صفوف طبقه کارگر و در سطح جامعه افشا کنند.

سه سال با کارگران هفت تپه...

متن چنین زمینه ای عهده دار اتحاد و همسرنوشتی چندین هزار کارگر شد. خشم و نارضایتی کارگران را به کانال درست هدایت کرد، روشن بینی و هدف را به رگهای مملو از جوشش تزریق کرد، از نارضایتی آحاد کارگر اراده جمعی را سازمان داد. بجای کارگر "مظلوم"، فردی حق طلب و جزئی از یک جریان و حرکت را جایگزین ساخت. مجامع عمومی حول و حوش اعتصابات به مهمترین کلاسهای درس برای کارگران تبدیل شدند. تابلوی سندیکا و هیئت مدیره آن پشت سر خود شبکه بزرگی از رهبران عملی برای قانع ساختن اعضا و خانواده هایشان را شکل دادند. مذاکره با مقامات کارخانه تنها یک نمونه از انواع توطئه و دسیسه علیه کارگران بود که میبایست خنثی کرد. کاردانی بهرمان این حرکت در همه سطوح آن تحسین برانگیز است.

جنبه دیگر از شاخصهای ستودنی سندیکای هفت تپه عدم صنفی گری آن بود. در طول این سه سال آرشووی قطوری از دخالت این سندیکا در مسایل عمومی طبقه کارگر در ایران گرد آمده است. قانون کار، اول ماه مه، کارگران زندانی، بیبانه حقوق پایه ای طبقه کارگر در ایران چند نمونه گویاست. درست به همین دلیل خیلی زود سندیکای هفت تپه به عنوان تشکلی برای کل طبقه کارگر ایران تبدیل گردید. سمپاتی و همسرنوشتی حول اعتصاب کارگران نیشکر و سندیکایشان از صفحات پر شور سرگذشت طبقه کارگر بیاد ماندنی است.

پرش بزرگ سندیکای هفت تپه به قلب دنیای سیاست در ایران، نتیجه طبیعی این موقعیت بود. درجه بالای اعتبار سخنگویان یک سندیکا در شهر کوچکی در آن کشور در میان ارباب جمعی فضای سیاسی ایران میتواند بحق مورد سوال قرار بگیرد. در میان مجموعه ای از شخصیتها و رهبران سیاسی که هر یک برکه اعتبار خود را به دهها سال سابقه حزب معین، یا به رابطه اش با فلان دولت و بهمان ملت و خاندان ارجاع میدهند، رهبران سندیکا توجه، گوش شنو، کنجکاوی و احترام بیشتری را بخود جلب کرده است.

سندیکای هفت تپه دستاوردهای ملموسی را برای کارگران نیشکر بهمرهه داشته است. اما در عین حال دست آوردهای این سندیکا برای کل طبقه ایران از ارزش بسیار بیشتری

نسبت به یک حرکت اعتصابی برخوردار است. سندیکای هفت تپه به گره گاه تشکل یابی طبقه کارگر در ایران ابعاد تازه، و معنای زمینی تری بخشید. راههای چپیدی را نشان داد و در دنیای واقعی یک الگو را بدست داد. تجربه هفت تپه نشان داد که امید بستن به راههای قانونی برای ایجاد تشکلهای کارگری یک توهم نابجاست. در عین حال یک اشتباه مرگبار است اگر کارگر نیروی خود برای تحمیل تشکل خود به جمهوری اسلامی دست کم بگیرد. این یک دستاورد با ارزش برای طبقه کارگر ایران است. حتما در مورد روش کار در پروسه ایجاد سندیکا نکات بسیاری برای آموختن از هفت تپه ایها وجود دارد. اما مساله اصلی آن توازن قوا، اعتماد بنفس و سطح توقع است که در مغز استخوان طبقاتی جا باز میکند. این آن چیزی است که طبقه کارگر بدان نیاز مبرم دارد.

همین امروز تشکلهای موجود کارگری و از جمله سندیکای هفت تپه با مصافهای مهمی روبرو هستند که پاسخ به آنها برای تداوم فعالیت خود این تشکلهای و برای تقویت صفوف طبقاتی ما حیاتی است. کدام تشکلهای؟ چگونه میتوان مداوماً اتحاد صفوف کارگران را زنده نگاه داشت؟ چگونه میتوان دخالت کارگران در همه و چوه زندگی اجتماعی، و نه فقط ایام اعتصاب، تامین کرد؟ چگونه میتوان شبکه های بزرگتری از فعالین کارگری را با هم گره زد؟ چگونه میتوان توطئه های جمهوری اسلامی را از طریق همکاریهای فرا سازمانی و پراکنده خنثی کرد؟ آیا واقعا در مقابل بیکاری و تامین مخارج زندگی فعالین کارگری نمیتوان یک همکاری بزرگ را سازمان داد؟

امروز در آخر دهه نود، سی سال پس از سر کار آمدن جمهوری اسلامی، طبقه کارگر در ایران جبهه مبارزات خودبخودی و پراکنده را با گامهای بزرگ پشت سر میگذارد. سر فصل بسیار پر هیجانی برای ایجاد تشکلهای کارگری در مقابل فعالین کارگری و طبقه ما گشوده میشود. نقش سندیکای هفت تپه در این پروسه غیر قابل اغماض است. سندیکای هفت تپه خود بر دوش فضای اعتراضی و کشش و کوشش گسترده هم طبقه ای های خود ایستاده است، اما ابداً گرافه گویی نیست اگر گفته شود: این سندیکای در عرض سه سال فعالیت خود به اندازه سی سال طبقه کارگر در ایران را بجلو برده است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زلزله در وان و کمپین دفاع ...

بشدت کند پیش میرفت. دولت فاشیست ترکیه بر فاجعه انسانی که اتفاق افتاد در جهت اشاعه نفاق قومی تلاش کرد استفاده کند، تعدادی کانال تلویزیونی مربوط به جریانات قومی فاشیستی در جریان فاجعه در شوها و پانلهای خود مردم این مناطق را به شیوه های فاشیستی به سخره می گرفتند، تنها به "جرم" اینکه کرد هستند. این تلویزیونها به صراحت می گفتند "کاری که نخست وزیر اردوغان میبایست انجام می داد، اکنون خدا آنرا بر سر این مردم آورده است. و یا می گفتند "کسانی که به پلیس و ارتش ما سنگ و چوب پرتاب میکنند نباید توقع امداد رسانی از آنان را داشته باشند" و یا بمنظور تمسخر مردم این مناطق به جای دارو و لباس گرم، کارتنهای حاوی پرچم ترکیه، بیکی و سنگ و چوب ارسال کرده اند. این تبلیغات را در کنار رد کمکهای خارجی دولت اگر قرار دهید، معلوم است نتیجه آن چه نفاق و کینه وسیع و عمیق میان مردم ترکیه به اسم ترک و کرد خواهد داشت. در تقابل با این روشهای فاشیستی که دولت حاکم نمایندگی میکند، مردم ترکیه و انسانهای برابری طلب در ترکیه عکس العمل نشان داده و مستقلا کمک رسانی کرده اند و در میدان فویتال تماشایان لباسهایشان را در آورده و شعار سر داده اند که "وان سردش است ما نیز سردمان است و حکومت را با شعارهایشان نشانه گرفته اند.

کمونیست هفتگی: تا کنون و طی اطلاعیه هائی که سازمان سراسری پناهندگان داده است، بحث از اقدامات متنوع هم از جانب این سازمان و هم از جانب نهادها و شخصیتهای دیگر در خارج کشور به منظور کمک به پناهندگان در وان و بعد از دو دوره زلزله در این شهر است. سوال این است که اوضاع در حال حاضر چگونه است و نتیجه تلاشها و اقدامات انسانی به آنها چه بوده است، سازمان سراسری و بقیه نهادها چه کاری کرده اند؟

سعید آرمان: سازمان سراسری سریعا طی اطلاعیه ای ضمن اعلام همدردی با مردم مناطق زلزله زده به وضعیت فاجعه بار آن و با توجه به لاقیدی "یو ان" و دولت ترکیه پیش بینی می کردیم بار این مصیبت بر دوش هزاران پناهنده به مراتب سنگین تر خواهد بود. همزمان خطر یک فاجعه انسانی را هشدار دادیم. در همین موظف به عکس العمل سریع و شایسته اوضاع میدانستیم و من بعنوان دبیر سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بمرز سریعا از اعلام موجودیت "کمپین دفاع از

پناهندگان زلزله زده شهر وان - ترکیه" استقبال و حمایت کردم و واحدها و اعضای خود را در کشورهای مختلف به همکاری وسیع با این کمپین بویژه در ترکیه و سوئد که تشکیلات وسیعتری داریم، فرا خواندیم. نامه سرگشاده ای را به کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و وزارت کشور ترکیه در اعتراض به لاقیدیهای غیر قابل قبول این سازمان و دولت ترکیه نوشتیم و آنرا تقبیح و خواهان عکس العمل جدی شدم. مطالباتی را طرح و خواهان اجرای سریع آن شدیم. این مطالبات در حالی بود که "یو ان" از ابتدا پناهندگان را مجبور به ماندن در شهر وان کرده بود و از درخواست وسایل ابتدایی زندگی برای این هزاران انسان سر باز زده بود. از جمله چکیده مطالبات مطرح شده عبارت بودن از:

- رسیدگی فوری از نظر زیستی و درمانی

- تامین مسکن مناسب

- تسریع در پروسه اعزام به کشورهای ثالث

- رفع ممنوعیت در انتخاب محل زندگی در سایر نقاط ترکیه

مطالبات فوق سریعا به پرچم اعتراضی پناهندگان مقیم شهر وان تبدیل و در اختیار مسئولین "یو ان" گذاشتند. مجموعه فشارهای داخلی و خارجی باعث شد "یو ان" را که قبلا پناهندگان را تهدید به از دست دادن امکانات و

بسته شدن پرونده در صورت خروج از شهر وان کرده بود و آنان را مسئول "عواقب" اعمالشان میدانست، در هماهنگی با وزارت کشور ناچار به صدور اجازه خروج از شهر وان برای پناهندگان شد. جدا از این مطالبه معین هنوز "یو ان" در قبال پناهندگان هیچ اقدام جدی دیگری برای تامین چادر و دارو و غیره نکرده است. لذا عملا کمپین میبایست مسئولیت بیشتری را متقبل بشود که خوشبختانه به همت شمار زیادی از شخصیتها و سازمانها و افراد متعهد توانسته ایم به بخشی از نیازهای فوری مالی و نقل مکان پناهندگان جوابگو باشیم. ابتدا باید به وجود انسانهای با ارزش و متعهدی که کمپین را در ترکیه نمایندگی میکنند اشاره کنم که علیرغم فشارهای غیر قابل توصیف نظیر اوضاع و شرایط ناهنجار پناهندگان را از طریق گزارش تصویری و مصاحبه و غیره را منعکس نمودند و به حلقه واسط بین ما در خارج با پناهندگان و همچنین کمک کنندگان تبدیل شدند. از جمله این فعالین: فرهاد فلاحی، امیر محسن محمدی، قاسم ویسی، ابراهیم فکری،

آزاد کریمی و فرهاد گل محمدی. بیشتر این فعالین از طریق رادیوها و تلویزیونهای مختلف صدای مصیبت زدگان را بگوش میلیونها انسان رسانده اند. رادیو و تلویزیون بی بی سی بخش فارسی با فرهاد فلاحی و من مصاحبه کرده و وسیعا خبررسانی کردند و تعداد زیادی از رادیوها و تلویزیونهای خارج کشور نیز وسیعا خبر رسانی کرده اند. جا دارد از دو تن از هماهنگ کنندگان کمپین پوریا صدی و مینو همیلی نام ببریم که با تلاش شبانه روزی شان به کمپین موقعیت ویژه ای داده اند.

مادران پارک لاله دو مورد کمک فرستاده اند و از طریق کمپین پخش شده است، خانم مینا اسدی بالغ بر یکصد و دو هزار کرون سوئد که بخشی از این مبلغ ۷۲۰۰ دلار آمریکایی از کانال کمپین توزیع گردید. در عین حال واحد بیمارز در شهر گوتنبرگ سوئد در حمایت از کمپین جمع آوری کمک مالی را آغاز کردند و بالغ بر سیزده هزار کرون جمع آوری و ارسال نمودند. مینو همیلی در هماهنگی با روزنامه شهروند و تعدادی از فعالین سیاسی و اجتماعی شب همبستگی را فراخوانده و آقای مصلی نژاد در آن سخنرانی کرده است و در مجموع تلاشهای فردی و جمعی ۵۰۰۰ دلار کانادا جمع آوری شده است و همزمان مبلغی در سوئد و سایر کشورها به صندوق یاران ریخته شده که در چند روز اخیر مجموعه این کمکها بدست فعالین بسیار دلسوز کمپین رسیده و آنرا سریعا در میان پناهندگان باقیماند توزیع و بخشا به پناهندگان که به شهرستانهای تقسیم شده اند ارسال کرده اند. در نروژ ۲۷۰۰ کرون و در کشورهای دیگر از جمله آلمان، بریتانیا، فنلاند و غیره کمک کمپین جمع آوری کمک مالی ادامه دارد. ما در تلاش هستیم که بموقع

گزارش دقیق و مفصل تری در مورد کل مبلغ جمع آوری شده و آنچه از طریق کمپین توزیع شده را منتشر کنیم و در اینجا به همین بسنده خواهیم کرد.

کمونیست هفتگی: موقعیت کنونی پناهندگان در وان چگونه است، با چه خطرات و مشکلاتی روبرو هستند، چه اقدامات دیگری در دستور شما است و توقع و انتظارتان از مردم و نهادها انسان دوست و... چه است؟

سعید آرمان: اوضاع آنان کماکان بحرانی است. آنان با مشکل مسکن در شهرستانهای دیگر، مشکلات مالی برای ادامه حیات دست و پنجه نرم میکنند. و در عین حال با مشکل اساسی تری به عنوان اعزام به کشور ثالث کماکان درگیرند. ما در رابطه با هر دو مورد فوق به فعالیتهایمان در کمپین و بعنوان سازمان سراسری ادامه خواهیم داد. **در تلاشیم تا کمکهای مالی کماکان جمع آوری و ارسال گردند و دوم در اروپا و در صورت امکان آمریکای شمالی با همکاری همه سازمانها و نهادهای مدافع حقوق بشر و احزاب گوناگون پیکتهای اعتراضی را بمنظور فشار آوردن به "یو ان" سازمان دهیم.** از همین طریق از همه درخواست کمک میکنیم تا به این سرنوشت اسفبار پایان دهیم. در پایان از همه انسانهای شرافتمندی که ما را در این کمپین یاری دادند و به پناهندگان کمک رسانندند صمیمانه قدردانی میکنم، این عکس العمل جدی نشانگر این واقعیت است که در دنیای تاریک کنونی هنوز انسانیت زنده است و روزنه امیدی برای بشریت وجود دارد و قدر آنرا باید دانست.

*سایت کمپین:

<http://www.eshtarak.info/refugee/>

تلویزیون پرتو

تلویزیون پرتو روزهای جمعه ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر به وقت تهران از کانال KBC روی ماهواره هات برد پخش میشود.

فرکانس پخش

HOTBIRD

DL freq.: 11604 Ghz

FEC: 5/6

Pol.: H

SR: 27500

HB: 8

زمان پخش برنامه های پرتو را به دوستان و

آشنایان خود اطلاع دهید

مارا از کیفیت پخش برنامه ها مطلع کنید

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

تبدیل هراس از جنگ...

از دوره جنگ هشت ساله ایران و عراق قرار داده است.

این اوضاع اما دوباره میدان را برای تحرک جریان‌های ارتجاعی، که با یکدوره بی‌افقی و سردرگمی روبرو بودند، باز کرده است. صفی از جریان‌های ارتجاعی به بن بست رسیده، از جریانات قومی و ناسیونالیستی چون حزب دمکرات کردستان گرفته تا جریان ارتجاعی سبز همگی به شغف آمده و پس از یکدوره استیصال و سردرگمی، با به صدا درآمدن شیپور حمله نظامی به ایران "شارژ" شده و اعتماد به نفس پیدا کرده اند. این صف به امید عروج مجدد خود بر متن تحمیل فقر و فلاکت به مردم، بر متن نابودی شیرازه جامعه، بمباران و خانه خرابی و قربانی شدن مردم مشتاقانه به پیشواز حمله نظامی با تحریم‌های بیشتر رفتند. تحت عنوان ضدیت با جمهوری اسلامی پرچم شکست خورده خود را مجدداً بلند کرده و رسماً آتش بیار معرکه "خطر ایران هسته ای"، "خلع سلاح جمهوری اسلامی هسته ای" شد.

علاوه بر احزاب سیاسی بیانیه‌های متعددی در رابطه با خطر جنگ صادر شده است. دو بیانیه در این میان شاخص اند. "بیانیه فعالین داخل کشور در مورد خطر حمله نظامی" که به روشنی نه فقط حمله نظامی به ایران را محکوم میکند بلکه به روشنی هر نوع تکرار سناریوی لیبی، امید بستن به "انقلاب ناتوی"، و به همت بمب افکن‌های ناتو، را محکوم اعلام کرده و به روشنی حمایت نیروهای سیاسی از حمله نظامی را محکوم و شاخص ضدیت آنها با مردم اعلام میکند. بیانیه ای که رسماً خود را به اعتراض انقلابی در کشورهای عربی و جهان وصل میکند.

در مقابل بیانیه دیگری مطرح شده است تحت عنوان "در مخالفت فعال با جنگ از طریق توقف موقت و مشروط غنی سازی اورانیوم و تعطیلی تمامی جنبه های نظامی برنامه هسته ای". این بیانیه که توسط جناحی از جنبش سبز نوشته شده این بیانیه اساساً ادعای حمله جنبش سبز علیه جناح مقابل به نام

ضدیت با "بخش افراطی" جمهوری اسلامی است. بیانیه ای است که حتی یک کلمه در محکوم کردن حمله نظامی را نمیتوان در آن یافت. بیانیه ای که بیش از نود درصد آن خط و نشان کشیدن علیه کسانی است که بدون هیچ چون و چرائی حمله نظامی به ایران را به هر بهانه و مستمسکی محکوم میکنند. نویسندگان این بیانیه رسماً اعلام میکنند حمله نظامی زمینه ای برای قدرتگیری جنبش ارتجاعی سبز فراهم میکند. بیانیه ای که علیرغم همه تلاش نویسندگان آن در مخفی کردن امیدواری و شور و شغف شان در حمله نظامی به ایران، رسماً طرفدار تکرار سناریوی لیبی برای ایران است. نویسندگان بیانیه با اعلام اینکه مقصر این وضعیت جمهوری اسلامی و البته گناه "بخش افراطی" آن است، و با به سخره گرفتن محکوم کردن تحریم اقتصادی و تهدیدات ارتجاعی آمریکا و اسرائیل تحت این عنوان که گویا این محکوم کردن ها "برخورد ایدئولوژیک، "منفعلانه، و کلیشه ای" است، رسماً اعلام میکنند که آماده وارد شدن به هر سناریوی ارتجاعی غرب برای آلترناتیو سازی هستند. اعلام میکنند که باید غرب و آمریکا ما را هم در سفره رنگین قدرت در آینده ایران سهیم کند. و نام آنرا "مخالفت فعال با جنگ" و "آماده کردن شرایط برای یک گفتگوی ملی با شرکت همه نیروها"، میگذارند. چه کسی است که نداند این اسم رمز تشکیل آلترناتیوی مانند "دولت ائتلاف ملی" لیبی است. این "مخالفت فعال" این خیل شکست خوردگان سبز، است با جنگ!

علی افشاری، عضو سابق دفتر تحکیم و بویژه نوشته "لیبایی شدن ایران در سه اپیزود"، حمله به ایران و سناریوی لیبی و به تباهی کشیدن مدنیت و شیرازه زندگی مردم و تباهی آینده دهها نسل در ایران خواهد بود را به سخره میگیرد. و اعلام میکند که "در حال حاضر شرایط برای متحقق شدن سناریوی لیبی در ایران مهیا نیست!". میگوید که برای لیبیایی شدن ایران باید ابتدا جنبشی علیه حکومت دیکتاتور موجود باشد، تا بتوان بر پایه این جنبش و بر متن سرکوب و وحشیانه، زمینه برای دخالت نظامی غرب و تشکیل "دولت ائتلاف ملی" آماده شود. و ادعا میکند که، "از آنجائیکه در حال حاضر این وضعیت در ایران وجود ندارد"، "تکرار سناریوی لیبی امروز غیر ممکن است". و طبعاً "مخالفت فعال" با جنگ، امثال علی افشاری، راه فعال کردن و راه انداختن یک جنبش همگانی است، که امثال آقای افشاری راه آنرا بلدند. و آن عبارت است از براه انداختن

یک جنبش همگانی علیه "جناح افراطی" حامی "ایران هسته ای"! و از این طریق "آماده کردن شرایط برای گفتگوی ملی" بعنوان یک شرط ائتلاف نیروهای ضد انقلاب و ارتجاعی در تشکیل دولت ائتلاف ملی! با این سناریو هالیودی قرار است نام حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران "دخالته" انساندوستانه" داده شود! این کل سناریوی علی افشاری و جنبش ارتجاعی سبز ایشان است. نفس بیانیه این صف، و اینکه "به جای جنگ باید از جمهوری اسلامی هسته ای ترسید"، نه مخالفت با جنگ که تبدیل هراس از جنگ به دستمایه تسویه حساب های درونی جمهوری اسلامی و تکرار سناریوی لیبی است. بیانیه عالی افشاری و یارانش را باید در کنار تبلیغات کثیف و ریاکارانه و پروپاگاندا سیاسی ناتو و غرب گذاشت.

طبقه کارگر و مردم به جان آمده از حاکمیت جمهوری اسلامی، مردم هراسان از فقر و فلاکت بیشتر، هراسان از خطر حمله نظامی و به

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمیتست

سردبیر: خالد حاج محمدی
www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها
۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن
۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی
۲۱-۳۰ تا ۲۳-۳۰ به وقت ایران

شما میتوانید در ایام هفته شنونده تکرار برنامه در همین ساعت باشید

radio PARTOW
www.radiopartow.com/wp/

زنده باد سوسیالیسم